

یاد خاتم صا...
قرآن...
مهمان...
مهمان...
مهمان...

۲۵



مهمان...
مهمان...
مهمان...

مهمان...
مهمان...
مهمان...

هرگاه ،

می رسم به آن ایست گاه

که میعاد ما بود ،

بر مرمر سپید و صورتی دیوار ها ،

نگاه تو ،

رنگ - رنگ می درخشد .

نگاه تو

وقتی می خندیدی

نگاه تو

وقتی می گریستی

وقتی دو بال لطیف بازوانت را

به رقص باز می کردی

مثل پرنده پرواز می کردی

چه زیبا ،

چه بی پروا بودی !

به هر کس می شناختی

هدیه می دادی .

۳۵
همبازی ~~همبازی~~ کودک کی ام - ۲

به جشن ها و سوگ ها
گل سرخ و آرکیده می فرستادی
در حیرتم از بلندای همت تو
چگونه در آن قامت کوتاهت
جا می گرفت .

چه زلال و مهربان بودی
همچون چشمه های کوهساری!
در برابر مهر تو،

من کی ام؟

ای ~~همبازی~~ کودک کی ام!

همبازی

↓
مانند بالا
هم بازی